

حجت الاسلام والمسلمین

حکیمه امینی
معلم قرآن، شهر تهران

اشاره

حجت الاسلام والمسلمین، جناب آقای دکتر ناصر رفیعی محمدی، چند سالی در کسوت معلمی در مدرسه‌ها فعالیت داشته است. ایشان به تازگی در جمع معاونان و مربیان پرورشی، مشاوران و تعدادی از معلمان مدارس استعداد های درخشان سراسر کشور حضور پیدا کرد و به این ترتیب فرصت مغتنمی فراهم شد برای بهره‌مندی دوباره جامعه تربیتی کشور از دیدگاه‌های فرهنگی و تربیتی ایشان. شایسته دیدیم این نکات کاربردی و مفید، با عنوان «۹ فرمان خداوند به پیامبر اعظم (ص)»، که عامل موفقیت آن حضرت بود، ره‌آوردی باشد برای شما. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از بیانات ایشان (اردیبهشت ۱۴۰۳)، در جمع یاوران مهدی جمکران) است. امیدواریم معلمان عزیز با مطالعه و تحقیق پیرامون آن‌ها، زمینه رشد و تربیت دانش‌آموزان عزیز را بیش از پیش فراهم آورند.

✱ رمز موفقیت پیامبر در تربیت

به راستی، رمز موفقیت پیامبر در حوزه تربیت چه بود؟ حضرت رسول جامعه‌ای جاهل و منحط را تحویل گرفتند. امیر المؤمنین علی، (علیه السلام)، در توصیف جامعه جاهلیت زمان حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) در نهج البلاغه می‌فرماید: «جامعه‌ای که نه اقتصاد داشت، نه معیشت، نه سیاست داشت و نه حکومت و نه اعتقادات درست»^۱.

پیامبر (ص) چنین جامعه‌ای را تحویل گرفتند. از غار حرا که پائین آمدند، ناسزا و سنگ‌نارشان شد. دیوانه و مجنون و کاهن و ساحر خطابش کردند. فقط دو نفر به رسول خدا ایمان آوردند؛ امیر المؤمنین (ع) و خدیجه کبری (س). اما طی ۲۳ سال کار به جایی رسید که وقتی برای وداع بالای منبر رفت، همه گریه کردند. یا وقتی وضو می‌گرفت، آب وضویش را به عنوان تبرک می‌بردند. وقتی در حج موی سر مبارک را تراشید، موهایشان را برای تبرک می‌بردند. در صدر اسلام وقتی یاران و اصحاب ایشان شهید می‌شدند، خانواده و اطرافیان می‌گفتند الحمد لله پیامبر (ص) سالم است.

پیامبر (ص) در این فاصله فرود تا صعود چه کرد؟ از غار حرا که پائین آمدند، تا وقتی برای وداع از منبر بالا رفتند، این همه تحول اتفاق افتاد! چگونه در عرض بیست و سه سال یک تمدن ایجاد کردند؟ سلمان و ابوذر و مقداد تربیت کردند! این نکته برای شما که می‌خواهید کار تربیتی کنید بسیار مهم است.

✱ ۹ اصل هدایت

پیامبر اکرم (ص) درباره رمز موفقیتش چنین می‌فرماید: «پروردگارم مرا به ۹ چیز سفارش کرده است: به اخلاص در نهان و عیان، به عدالت در پسند و ناپسند، به میانه‌روی در بینوایی و توانگری، و به اینکه در گذرم از آن که به من ستم کرده، و بیخشم بدان که از من دریغ داشته، و پیوندم به آنکه از من بریده، و به اینکه خموشی‌ام اندیشه‌کردن باشد، و گویایی‌ام ذکر، و نگرستنم عبرت‌گیری»^۲ این ۹ اصل را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد: اصول اعتقادی، اصول اجتماعی و اصول فردی.



سه اصل اعتقادی

۱. اخلاص در آشکار و پنهان: اخلاص شرط موفقیت است. اگر این مهم در زندگی شما اصل باشد، می توانید بچه ها را تربیت کنید، راهنمایی کنید و به سوی خدا هدایت کنید. ابوسعید ابی الخیر می گوید: ای نه دله ده دله هر ده یله کن صراف وجود باش و خود را چله کن یک صبح به اخلاص بیا در بر ما گر کام تو بر نیاید آن گه گله کن

۲. عدالت در پسند و ناپسند: ان الله يأمر بالعدل والاحسان. خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد (نحل/ ۹۰).

نباید دانش آموز برای معلم فرق کند. فقیر باشد یا غنی، فرزند رئیس بانک یا فرزند آیت الله، همه باید یکسان باشند.

۳. میانه روی در بینوایی و توانگری: میانه روی و اعتدال داشته باشید و حد وسط را رعایت کنید. میانه روی لازمه کار تربیت است. برای هدایت بچه ها باید اعتدال داشت. مواظب باشیم، افراط و تفریط در تربیت اشتباه است؛ چه رها کردن و چه سخت گیری.

در این خصوص حضرت علی، علیه السلام، می فرمایند: «شیوه مؤمن میانه روی و روشش پیمودن راه راست است»^۳. در هیچ کاری، حتی وضو گرفتن، بی مبالائی و اسراف نکنید. زیاده روی در انفاق هم خوب نیست. کم انفاق کردن هم بد است. و آنان هستند که هنگام انفاق (به مسکینان) اسراف نکرده و بخل هم نورزند، بلکه احسان آن ها در حد میانه و اعتدال باشد (فرقان/ ۶۷).

امام صادق، علیه السلام می فرماید: طواف می کردم. جوان بودم و حال خوشی داشتم. عبادت که تمام می شد، دوباره شروع می کردم. تمام که می شد، برای بار چندم شروع می کردم. عرق کرده بودم. در مسجد الحرام دستی را روی شانهم احساس کردم. برگشتم دیدم پدرم امام باقر، علیه السلام، است، فرمودند، پسرم برو منزل. خودت را اذیت نکن. خداوند به عمل کم هم راضی می شود.^۴

شیخ عباس قمی، در سفینه البحار آورده است: در اقتصاد هم باید میانه روی کنیم. در عبادت هم نباید

زیاده روی کنیم و دنیا را فدا کنیم و برعکس پرداختن زیاد به دنیا هم آخرت را فدا می کند و این هم خوب نیست. ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة الحسنه (بقره/ ۲۰۱). مادر حوزه تربیت گاهی افراط و تفریط داریم و به همین دلیل لطمه می بینیم.

سه اصل اجتماعی

آنچه در جلسات آموزش خانواده به زوج های جوان یادآوری می کنم، این سه اصل است که اگر به آن ها عمل کنند، تمام دعاها خاتمه پیدا می کنند. این سه اصل دوم بسیار مهم هستند. خدای رحمان به رسولش فرمود: انک لعلی خلق عظیم (قلم/ ۴). و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری. خلق عظیم این سه اصل است. فرمود به پیغمبر می خواهی موفق شوی، اَنْ اَعْفُو عَمَّن ظَلَمْنِیْ وَاَعْطِیْ مَنْ حَرَمْنِیْ وَاَصِلْ مَنْ قَطَعْنِیْ:

۱. وصل شو به کسی که به تو قطع ارتباط کرده: هر خوشاوندی که با تو قطع رابطه کرد، تو برای آشتی و وصل پیش قدم باش. هرگز مقابله به مثل نکن. شکایت نکن. قهر پیشه نکن. من قطعنی، او که قطع کرد، تو وصل کن.

۲. عفو کن کسی را که به تو ظلم کرده: کسی که بد کرده، تو عفو کن، ببخش.

۳. عطا کن به کسی که تو را محروم کرده: کسی که تو را از امری محروم کرد، تو عطا کن. رحمان باش و ببخش مثل پیامبر (ص) در فتح مکه.

سه اصل فردی

۱. سکوت همراه با تفکر باشد: اگر می خواهید مثل پیامبر (ص) موفق باشید، پس بسیار فکر کنید. هر وقت سکوت کردید فکر کنید. بعضی ها در سکوت، در فکر توطئه هستند و به نیرنگ و فریب می اندیشند. در فکر مگردند. این وسوسه است.

۲. منطق تو یاد خدا باشد: سخت یاد خدا باشد. اگر انسان برای خدا حرف بزند، سخنش یاد خداست.

۳. نگاه تو عبرت باشد: عبرت بگیرید. به دریای روید عبرت بگیرید، به صحرا می روید عبرت بگیرید، بهار می شود، عبرت بگیرید، زمستان می شود عبرت بگیرید.

چند توصیه به معلمان

توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان. افراد با هم فرق می کنند. یکی ممکن است درون گرا باشد و یکی برون گرا. یکی اجتماعی است و یکی پرحرف. نحوه تعامل مربی پرورشی با دانش آموزان باید فرق کند؛ استعداد افراد متفاوت است. توجه به تفاوت ها مهم است.

من اگر جای مربی مدرسه باشم، در همان ماه اول یک دفتر به این کار اختصاص می دهم و اسم هر دانش آموز را در آن می نویسم و عکسش را در کنار آن می زنم. مشخصات دانش آموز را در آن یادداشت می کنم. مثلاً این دانش آموز درون گراست یا برون گرا. چه جور خانواده ای دارد. چه نیازهایی دارد. آیا نمازخوان است یا خیر؟...

توجه به نیازهای مادی و معنوی هر دانش آموز.

توجه به خانواده ها. مربی و معلم حتماً باید پدر و مادر دانش آموزان را بشناسد. به نوع خانواده ها و فرهنگ آن ها توجه کند. شناسایی استعدادها مهم است.

مقام معظم رهبری یک جایی این شعر صائب تبریزی را خواندند: چون وای نمی کنی گرهی، خود گره مشو/ ابرو گشاده باش چو دست گشاده نیست.



برای شنیدن سخنرانی
رویداد آموزش کنید.

نباید دانش آموز
برای معلم فرق
کند. فقیر باشد
یا غنی، شاگرد یا
معلم همه باید
یکسان باشند



/ توجه به انگیزه‌ها. باید بدانید این دانش آموز با چه انگیزه‌ای به مدرسه آمده است. می‌خواهد پزشک شود، یا مهندس و یا هدف دیگری دارد، آیا به ارزش‌ها اعتقاد دارد؟ آیا توجه به نماز دارد؟ آیا سوالی در ذهنش هست یا نه؟

/ تربیت را غیر از آموزش دیدن. تربیت مستمر و تدریجی است و اندک اندک اتفاق می‌افتد. شاید ساعت‌ها زمان لازم باشد تا بتوان یک دانش آموز را نماز خوان کرد!

هشام بن حکم یک جوان منحرف بود. امام صادق، علیه السلام، چند جلسه با او گفت و گو کرد. در او تغییر ایجاد کرد. جوان تغییر کرد و بعد به یکی از یاران وفادار و همراه امام تبدیل شد؛ باور کنید کار مربی پرورشی کادر سازی است، نه انبوه سازی.

/ داشتن صبر و حوصله در تربیت. کار تربیتی کار فله‌ای نیست. کار آماري نیست. مثل برف پارو کردن نیست، پارو بزنید و بریزید. تربیت کاری ذره‌ای و تدریجی است. یادآوری می‌کنم که از مهم‌ترین الزامات تربیت صبر و حوصله در این کار است.

/ اصلاح خود، قبل از اصلاح دیگران. تازمانی که باور و اعتقاد در خودمان تقویت نشود، نمی‌توانیم به هدایت دیگران بپردازیم. با برق سنج (کنترل) خاموش لا مپ روشن نمی‌شود، با موتور خاموش خودرو روشن نمی‌شود!

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى: آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند، سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود (یونس/۳۵).

✱ چند توصیه عملی

/ با تمام دانش آموزان چهره به چهره گفت و گو کنید؛ در جلسات فردی و گروهی. در فضای مجازی ارتباط بگیرید و محتوا تولید کنید.

/ از ظرفیت دبیران مدرسه استفاده کنید؛ به ویژه دبیران فیزیک، شیمی، ریاضی و...

/ در کلاس‌های درسی و برنامه‌های پرورشی جاذبه ایجاد کنید. کاری کنید این جاذبه در درس‌های شما با مطالعه تاریخی، با داستان و با شواهد گره بخورد.

/ در دانش آموزان امید و اراده ایجاد کنید. این نکته خیلی مهم است.

بدانید، اگر در طول دوران ۳۰ ساله خدمتتان بتوانید دو نفر را هدایت کنید، برای شما کافی است: **أَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ**؛ اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، بهتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد.^۵

بدانید، اگر در طول دوران ۳۰ ساله خدمتتان بتوانید دو نفر را هدایت کنید، برای شما کافی است

پی‌نوشت‌ها

۱. آلوسی، در بلوغ الادب، داستان شغری (شاعر معروف جاهلی) را به صورت دقیق آورده است. آنچه در اینجا آمد، خلاصه‌ای از آن بود (بلوغ الادب، جلد ۲: ۱۴۵).
۲. تحف العقول عن آل الرسول. ج ۳۶: ۲.
۳. آمدی، ابوالفتح، غَزَزَ الْحَكَمُ وَدُزِرَ الْكَلِمُ: دارالکتاب الاسلامی، ۱۵۰۱.
۴. الکافی: ۵/۸۷/۲.
۵. الکافی: جلد ۵، ص ۳۶.